

# مدیریت رفتارهای چالش برانگیز کودکان با اختلال طیف اوتیسم در کلاس درس

ربکا ای. مویس

احسان حسینی سیانکی

۷	<b>فصل اول:</b>
۷	رویکردهای سنتی
۱۷	<b>فصل دوم:</b>
۱۷	اتخاذ رویکرد تیمی برای نگارش برنامه حمایت رفتاری
۳۱۴	<b>فصل سوم:</b>
۳۱۴	چه عواملی باعث رفتار نادرست در کودکان مبتلا به اوتیسم می‌شوند؟
۵۹	<b>فصل چهارم:</b>
۵۹	راهبردهای پیش‌زمینه‌ای
۱۰۲	<b>فصل پنجم:</b>
۱۰۲	پاداش‌ها و مشوق‌ها
۱۲۶	<b>فصل ششم:</b>
۱۲۶	راهبردهای پیامدمحور
۱۴۲	<b>فصل هفتم:</b>
۱۴۲	ارزیابی اثربخشی

## معرفی

دکتر احسان حسینی سیانکی، با حدود دو دهه تجربه در زمینه توانبخشی و توانمندسازی کودکان با اختلال طیف اوتیسم و مشکلات رفتاری کودکان، سال‌هاست با پشتکار و تلاش بی‌دریغ خود در جهت تهیه منابع علمی و کاربردی برای کودکان دارای نیازهای ویژه گام برداشته است. آثار ایشان نه تنها به درمانگران و متخصصان کمک می‌کند تا مداخلات اثربخش‌تری ارائه دهند، بلکه خانواده‌ها را توانمند ساخته و موجب ارتقای نتایج درمانی کودکان می‌شود.

از جمله کتاب‌های منتشرشده توسط دکتر احسان حسینی سیانکی در زمینه اختلال طیف اوتیسم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اختلال پردازش حسی در کودکان اوتیسم
- مسائل ادراک حسی در اختلال طیف اوتیسم
- درک و درمان رفتار آسیب‌رسان به خود در اوتیسم
- آموزش تصویری یوگا به کودکان با اختلال طیف اوتیسم
- رفتارها و علایق تکراری و محدود در اختلالات طیف اوتیسم
- ماساژ درمانی و مداخلات بدنی برای اختلال طیف اوتیسم
- راهنمای تصویری مهارت‌های اجتماعی کودکان مبتلا به اوتیسم
- مشکلات ادراک دیداری در کودکان دارای اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی، اوتیسم و سایر ناتوانی‌های یادگیری

این مجموعه آثار، نمایانگر تعهد دکتر احسان حسینی سیانکی به ارتقای کیفیت آموزش و درمان کودکان با اختلال طیف اوتیسم است و نقشی کلیدی در توانمندسازی متخصصان و خانواده‌ها برای مواجهه با چالش‌های روزمره این کودکان دارد.

## پیش‌گفتار

من همیشه احساس کرده‌ام که هنگام کار با کودکان مبتلا به اوتیسم، دو حوزه اصلی وجود دارد که هدایت و مدیریت آن‌ها دشوارتر از بقیه است: یکی چگونگی تقویت مهارت‌های اجتماعی و دیگری نحوه برخورد با رفتارهای مسئله‌ساز می‌باشد. زمانی که نگارش اولین کتابم با عنوان گنجاندن اهداف اجتماعی در کلاس درس؛ راهنمایی برای معلمان و والدین کودکان مبتلا به اختلال طیف اوتیسم را به پایان رساندم، متوجه شدم که هنوز موضوع دیگری باقی مانده که باید درباره‌اش نوشته شود. از صمیم قلب آرزو دارم که هر دو کتاب برای شما سودمند و راهگشا باشند. به عنوان یک معلم سابق، این افتخار و خوشبختی را داشته‌ام که هر دو دیدگاه «والد بودن» و «آموزگار بودن» را تجربه کرده‌ام. می‌خواهم والدین بدانند که بیشتر معلمان واقعاً مشتاق کمک به فرزندان ما هستند، اما برای اینکه بتوانند این کار را به درستی و مؤثر انجام دهند، به آموزش تخصصی و حمایت مستمر نیاز دارند. همچنین می‌خواهم معلمان درک کنند که کودکان ما ممکن است با هر دانش‌آموز دیگری که تا به حال در کلاس خود داشته‌اند، تفاوت‌های چشمگیری داشته باشند. دانسته‌های پیشین آن‌ها درباره‌ی کودکان با نیازهای ویژه، شاید برای درک کامل این دانش‌آموزان کافی نباشد. می‌خواهم معلمان بدانند که احتمالاً در طول دوران تدریس خود، دانش‌آموزی به اندازه‌ی یک کودک مبتلا به اوتیسم خاص و منحصر به فرد نخواهند داشت. اگر والدین و معلمان بیاموزند که واقعاً ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی این کودکان را بپذیرند و ارج نهند، راه تجربه‌ای زیبا، انسانی و پربار برای آن‌ها باز خواهد شد.

این کتاب قرار نیست پاسخگوی تمام مشکلات رفتاری موجود در حوزه‌ی اوتیسم باشد.

مطالب آن نباید بدون در نظر گرفتن نیازهای فردی هر دانش‌آموز مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، مطمئن هستم که این کتاب می‌تواند به عنوان یک منبع مفید و کاربردی مورد استفاده قرار گیرد و خواننده می‌تواند از میان صفحات آن، ایده‌های عملی و سودمندی برای کار با کودکان به دست آورد.

امیدوارم تلاش‌های شما، چه به عنوان والدین و چه معلمان، پرثمر و پربرکت باشد؛ زیرا با همکاری یکدیگر در حال ایجاد پایه‌های حمایتی محکم برای افرادی هستید که با این تشخیص زندگی می‌کنند.

ربکا ای. مویس، ۲۰۰۲

# فصل ۱



رویکردهای سنتی

برای بسیاری از کودکان مبتلا به اوتیسم، بروز مشکلات رفتاری در محیط کلاس درس قابل انتظار است. در واقع، تفاوت‌های رفتاری یکی از بخش‌های اصلی در تشخیص اختلال طیف اوتیسم به شمار می‌رود. با این حال، روند حضور دادن کودکان دارای ناتوانی‌ها — به‌ویژه کودکان اوتیستیک — در کلاس‌های معمولی، هم‌گام با آموزش و آماده‌سازی مناسب کارکنان مدارس پیش نرفته است. اگر معلمان در کار با کودکان مبتلا به اوتیسم احساس توانایی و مهارت بیشتری داشتند، می‌توانستند روند «ادغام آموزشی» را به گونه‌ای پیش ببرند که هم برای این کودکان و هم برای دانش‌آموزان عادی کلاس سودمند و سازنده باشد.

### **رویکردهای سنتی در مدیریت رفتار نامطلوب**

به طور سنتی، رایج‌ترین روش‌هایی که برای مقابله با رفتارهای مشکل‌ساز به کار رفته‌اند شامل تنبیه‌ها، محدودسازی‌های فیزیکی و یا تکنیک‌های تغییر رفتار بوده‌اند.

### **محرك‌های آزارنده**

منظور از محرك‌های آزاردهنده<sup>۱</sup>، استفاده از تقویت‌کننده‌های منفی برای متوقف کردن یا قطع رفتارهای مشکل‌ساز در زمان وقوع آن‌ها است. از نمونه‌های رایج محرك‌های آزاردهنده می‌توان به سرزنش کودک یا محروم کردن او از فعالیت‌های لذت‌بخش اشاره کرد. با این حال، در برخی مکان‌ها

۱. **محرك‌های آزاردهنده (Aversives)**: به پیامدها یا محرك‌هایی گفته می‌شود که هنگام بروز رفتار مشکل‌ساز به کار گرفته می‌شوند تا آن رفتار متوقف شود. این محرك‌ها برای کودک ناخوشایند یا آزاردهنده هستند و هدفشان کاهش یا حذف رفتار نامطلوب است. نمونه‌ها شامل تنبیه کلامی، محروم‌سازی از اسباب‌بازی، اعمال محدودیت یا اصلاح بیش‌ازحد هستند.



از روش‌های دیگری نیز استفاده می‌شود؛ از جمله پاشیدن آب یا مواد ناخوشایند روی کودک، استفاده از مواد با طعم نامطبوع و حتی تنبیه‌های بدنی مانند سیلی یا ضربه زدن.

### مثال ۱

رایان، هنگامی که از حجم تکالیف کلاس خسته یا مضطرب می‌شد، معمولاً تمام برگه‌هایش را از روی میز به زمین می‌ریخت. معلم او نیز در واکنش، رایان را مجبور می‌کرد به مدت ده دقیقه بیرون از کلاس، کنار در بایستد.

محرک‌های آزاردهنده می‌توانند شامل واکنش‌هایی باشند که به دلیل تأثیر شدید و ناگهانی خود، باعث ترس یا شوک در دانش‌آموز می‌شوند و در نتیجه، رفتار نامطلوب را متوقف می‌کنند.

### مثال ۲

پیتر نسبت به صداهای بلند حساسیت ویژه‌ای داشت. معلم او برای واداشتنش به همکاری، اغلب با صدای بلند فریاد می‌زد: «بس کن!» تا او را وادار به انجام کار مورد نظر کند.

اصلاح بیش‌ازحد، نوعی محرک آزاردهنده است که طی آن از دانش‌آموز خواسته می‌شود رفتار صحیح را نه تنها انجام دهد، بلکه آن را چندین بار پشت سرهم تکرار کند. این روش معمولاً زمانی به کار می‌رود که دانش‌آموز یا رفتار مورد انتظار را در زمان مقرر انجام نداده باشد، یا پس از دریافت تذکر، همچنان به رفتار نامطلوب ادامه داده باشد. هدف

این شیوه آن است که کودک از طریق تکرار مداوم رفتار درست، پیامدهای رفتار نادرست خود را بهتر درک کند و یاد بگیرد در موقعیت‌های آینده، رفتار مناسب را جایگزین رفتار نامطلوب کند.

### مثال ۳

برد فراموش کرده بود نام خود را روی برگه‌ی تکلیفش بنویسد. از آن جا که این اشتباه را مکرراً تکرار می‌کرد و تذکر دادن نیز تأثیری نداشت، معلمش او را مجبور کرد در زمان زنگ تفریح در کلاس بماند و نام خود را ۱۰۰ بار روی یک برگه بنویسد.

مهم است که بدانیم استفاده از محرک‌های آزاردهنده صرفاً یک واکنش به رفتار نامناسب است و نباید آن را به‌عنوان روش پیشگیری از بروز چنین رفتارهایی در نظر گرفت.

### محدودسازی‌ها

محدودسازی‌ها<sup>۱</sup> را می‌توان به عنوان تکنیک‌ها، ابزارها و روش‌هایی تعریف کرد که دانش‌آموز را از انجام کاری که برای خود یا دیگران خطرناک است، باز می‌دارند یا کنترل می‌کنند. همچنین، از محدودسازی‌ها می‌توان برای جلب توجه یا حفظ تمرکز دانش‌آموز نیز استفاده کرد، مانند استفاده از کمربند ایمنی روی صندلی‌های کلاس.



## مثال ۱

مایکل وقتی دچار استرس می‌شد، اغلب شروع به زدن یا لگد زدن به هم‌کلاسی‌هایش می‌کرد. معلم او، در تلاش برای آرام کردنش، معمولاً او را می‌گرفت، دستانش را پایین نگه می‌داشت و بازوهای خود را دور تنه‌اش می‌پیچید تا زمانی که بتواند خود را کنترل کند.

## مثال ۲

سارا با یک مینی‌ون ویژه به مدرسه می‌رفت. او اغلب از صندلی خود بلند می‌شد و برای کودکان دیگر یا راننده مزاحمت ایجاد می‌کرد. در نهایت، کمربند ایمنی برای صندلی او نصب شد و هر روز سارا با کمربند بسته می‌شد تا نتواند دیگران را در مینی‌ون اذیت کند.

## مثال ۳

رابرت چندین بار در روز دچار وضعیتی می‌شد که سرش را محکم روی میز می‌کوبید. کارکنان نتوانستند هیچ واکنشی پیدا کنند که این رفتار را متوقف کند. مدرسه برای رابرت یک کلاه ایمنی ویژه سفارش داد تا هنگام ضربه زدن به سر، از آسیب رساندن به خود جلوگیری شود. این اقدام فرکانس رفتار را کاهش نداد، اما از آسیب دیدن رابرت جلوگیری کرد.

## اصلاح رفتار

روش دیگری برای مدیریت رفتار، استفاده از تکنیک‌های اصلاح رفتار<sup>۱</sup> است؛ مجموعه‌ای از روش‌ها که با هدف افزایش رفتارهای مطلوب و کاهش یا «خاموش کردن» رفتارهای نامطلوب به کار می‌روند. اصلاح رفتار تنها به رفتارهایی که قابل مشاهده و اندازه‌گیری هستند توجه دارد و روانشناسان رفتاری تلاش نمی‌کنند علت یا دلیل وقوع آن رفتارها را کشف کنند. در این روش، رفتارهای هدفمند به قطعات کوچک قابل یادگیری تقسیم می‌شوند که هر کدام به تدریج به رفتار نهایی منتهی می‌شوند. این قطعات کوچک ابتدا آموزش داده شده و با پاداش تقویت می‌شوند تا مهارت لازم را کسب کنند. برای کاهش رفتارهای نامطلوب، از تنبیه‌ها (مانند تذکر، محروم کردن از امتیازات یا اشیاء محبوب، زمان استراحت، اصلاح بیش از حد) و همچنین از محدودسازی‌ها و محرک‌های آزاردهنده استفاده می‌شود. همچنین ممکن است لازم باشد واکنش‌های دانش‌آموز به گونه‌ای تعمیم داده شوند تا در محیط‌ها و با معلمان دیگر نیز مناسب و کاربردی باشند.

### مثال ۱

لیزا اغلب دست‌های خود را تکان می‌داد (بال بال زدن با دست‌ها). معلم او برای متوقف کردن این رفتار از اصلاح بیش از حد استفاده می‌کرد. هر بار که لیزا دست‌هایش را تکان می‌داد، معلمش دست‌های او را روی پا و سپس روی میز ده بار قرار می‌داد و با جمله‌ای او را سرزنش می‌کرد: «دست‌ها را تکان نده!». وقتی لیزا به مدت ۱۵ دقیقه دست‌هایش را تکان نمی‌داد، یک چوب شور که جایزه مورد علاقه او بود، دریافت می‌کرد.



## مثال ۲

معلم رابرت تلاش داشت تا او را به تمرکز روی انجام یک کار وادار کند. ابتدا، باید به او یاد می‌داد روی صندلی بنشیند. سپس رابرت باید یاد می‌گرفت ۱۵ دقیقه روی صندلی باقی بماند. همچنین، رابرت باید به چشم‌های معلمش نگاه می‌کرد. تمامی این مهارت‌ها ابتدا آموزش داده شده و با پاداش تقویت شدند، و تنها پس از یادگیری آن‌ها رابرت توانست تمرکز لازم برای انجام کار را داشته باشد.

## مثال ۳

معلم مهدکودک سعی داشت لیزا را تشویق کند تا در جمع کردن اسباب‌بازی‌ها کمک کند. لیزا معمولاً یک یا دو اسباب‌بازی را جمع می‌کرد و سپس از کار فاصله می‌گرفت، در حالی که سایر کودکان کار را ادامه می‌دادند. روانشناس رفتاری به معلم توصیه کرده بود که هر بار که لیزا یک یا دو اسباب‌بازی را جمع می‌کرد، بلافاصله به او پاداش دهد و لازم نبود منتظر شود تا همه اسباب‌بازی‌ها را جمع کند. به این ترتیب، معلم لیزا با تقویت تدریجی رفتارهای نزدیک به رفتار مطلوب، او را به سمت انجام کامل کار هدایت می‌کرد.

دوباره باید توجه کرد که اگرچه اصلاح رفتار یکی از روش‌های رایج برای مدیریت رفتارهای مشکل‌ساز است، اما علت یا دلیل بروز چنین رفتارهایی را در نظر نمی‌گیرد. برای مثال، اگر دانش‌آموزی به دلیل استرس رفتارهای خودتحریکی نشان دهد، استفاده از اصلاح بیش از حد ممکن است باعث شود او یک رفتار خودتحریکی را با رفتار دیگری جایگزین کند.

## آیا روش دیگری برای مدیریت مشکلات رفتاری وجود دارد؟

مشکلات ارتباطی یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های نقص در اختلال طیف اوتیسم محسوب می‌شوند. مشکلات رفتاری و توسعه غیرمعمول مهارت‌های اجتماعی نیز از ویژگی‌های این اختلال به شمار می‌روند. متخصصان به طور فزاینده‌ای به ارتباط بین دشواری‌های ارتباطی کودکان مبتلا به اوتیسم و تعداد مشکلات رفتاری آن‌ها پی برده‌اند. (هاج‌دون ۱۹۹۵، ص. ۲۶۵)

برنامه‌ریزی برای واکنش معلمان نسبت به رفتارهای منفی دانش‌آموزان می‌تواند زمان‌بر و طاقت‌فرسا باشد. معلمان و کارکنان اغلب احساس می‌کنند که باید همیشه آماده باشند، زیرا رفتارهای نامطلوب ممکن است هر لحظه رخ دهد و آن‌ها نگران‌اند که واکنش‌هایشان تا چه حد مؤثر خواهد بود. این فشار روانی می‌تواند استرس را افزایش دهد و باعث خستگی ذهنی شود، زیرا معلمان باید همزمان به آموزش سایر دانش‌آموزان توجه کنند و در عین حال رفتارهای مشکل‌ساز را کنترل نمایند. در چنین شرایطی، استفاده از یک رویکرد سیستماتیک و منظم برای مدیریت رفتارهای مشکل‌ساز بسیار مفید است. این روش نه تنها علت بروز رفتارها را شناسایی می‌کند، بلکه با ایجاد پل ارتباطی مؤثر بین معلم و دانش‌آموز، به پیشگیری از رفتارهای منفی کمک می‌کند و استرس معلمان را کاهش می‌دهد.

هدف این کتاب، ارائه‌ی چنین رویکردی است. این رویکرد با استفاده از یک برنامه رسمی حمایت رفتاری (پیوست ۱.۱) آغاز می‌شود. این برنامه حس‌ها و افکار احتمالی دانش‌آموز را به عنوان دلیل بروز رفتارهایش در نظر می‌گیرد. یکی از مراحل این رویکرد شامل ایجاد پشتیبانی‌های محیطی برای رفتارهای مشکل‌ساز و به‌کارگیری راهبردهای آموزشی مشخص است.



مرحله‌ی دیگر، آموزش مهارت‌های لازم به دانش‌آموزان مبتلا به اوتیسم است تا آن‌ها بتوانند رفتارهای مناسب از خود نشان دهند. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره برنامه حمایت رفتاری، به جدول ۱.۱ مراجعه کنید. به عنوان معلمان و والدین، اغلب نیاز به آموزش کودکان برای پذیرش مسئولیت رفتارهایشان را می‌پذیریم. اما همزمان باید راهکارهای عملی و معناداری در اختیار آن‌ها قرار دهیم تا بتوانند این مهارت را در محیط خانه، جامعه و مدرسه به کار گیرند.

#### جدول ۱-۱: برنامه حمایت رفتاری

برنامه حمایت رفتاری<sup>۱</sup> یک راهنمای ساختاریافته و علمی است که برای مدیریت و بهبود رفتارهای مشکل‌ساز دانش‌آموزان، به ویژه کودکان مبتلا به اوتیسم طراحی می‌شود. هدف این برنامه، افزایش رفتارهای مطلوب و کاهش رفتارهای نامطلوب با استفاده از راهبردهای مختلف است، از جمله:

۱. **تحلیل رفتار:** شناسایی رفتارهای مشکل‌ساز و علل احتمالی آن‌ها.
۲. **راهبردهای پیش‌زمینه‌ای:** اقداماتی که قبل از بروز رفتار انجام می‌شوند تا احتمال وقوع رفتار مشکل‌ساز کاهش یابد.
۳. **راهبردهای پیامدی:** اقداماتی که پس از بروز رفتار انجام می‌شوند تا رفتار مطلوب تقویت یا رفتار نامطلوب کاهش یابد.
۴. **سیستم پاداش برای رفتارهای مطلوب:** تشویق و تقویت رفتارهای مثبت از طریق پاداش‌های ملموس یا غیرملموس.
۵. **آموزش مهارت‌های لازم:** آموزش مهارت‌هایی که دانش‌آموز فاقد آن‌ها است تا بتواند رفتارهای مناسب نشان دهد.
۶. **جمع‌آوری داده و ارزیابی:** ثبت رفتار و بررسی اثربخشی راهبردها برای تنظیم برنامه‌های بعدی.
۷. این برنامه معمولاً به صورت مکتوب و قابل اجرا در مدرسه و خانه تهیه می‌شود و به معلمان، والدین و درمانگران کمک می‌کند تا رفتار دانش‌آموز را به شکل سیستماتیک، هدفمند و علمی مدیریت کنند.

## پیوست ۱.۱

### برنامه حمایت رفتاری

نام دانش آموز: \_\_\_\_\_ تاریخ: \_\_\_\_\_

رفتار مشکل ساز را تعریف کنید و دلیل اهمیت تغییر آن را شرح دهید:

فرضیه مربوط به رفتار مشکل ساز:

مهارت مشخصی که باید آموزش داده شود تا رفتار مشکل ساز کاهش یابد:

راهبردهای پیش زمینه‌ای<sup>۱</sup> برای پیشگیری از بروز رفتار:

سلسله مراتب راهبردهای پیامدی<sup>۲</sup> برای استفاده در هنگام بروز رفتار:

سیستم پاداش برای رفتارهای مطلوب:

روش‌ها و تاریخ‌های جمع‌آوری داده‌ها برای ارزیابی:

۱. راهبردهای پیش‌زمینه‌ای (Antecedent strategies): اقداماتی که قبل از بروز رفتار انجام می‌شوند تا احتمال وقوع رفتارهای نامطلوب کاهش یافته و رفتارهای مطلوب افزایش یابند. این راهبردها می‌توانند شامل تغییر محیط، تنظیم برنامه روزانه، ارائه دستورالعمل‌های واضح، پیش‌بینی محرک‌ها یا ارائه حمایت‌های اجتماعی و عاطفی باشند و هدف آن‌ها پیشگیری از رفتار مشکل ساز است.

۲. سلسله مراتب راهبردهای پیامدی (Hierarchy of consequential strategies): مجموعه اقداماتی که پس از بروز رفتار انجام می‌شوند تا رفتار مطلوب تقویت یا رفتار نامطلوب کاهش یابد. این راهبردها می‌توانند شامل پاداش، تذکرها، محرومیت‌ها، اصلاح بیش از حد، محدودسازی‌ها یا تنبیه‌های سبک باشند و معمولاً به‌صورت سلسله‌مراتبی و بر پایه‌ی اولویت به کار گرفته می‌شوند تا معلم یا درمانگر بدانند چه واکنشی در چه شرایطی مناسب‌تر است.

## فصل ۲



اتخاذ رویکرد تیمی برای نگارش برنامه حمایت رفتاری

اغلب، معلمان و والدین نه تنها با نحوه برخورد با رفتارهای مشکل ساز بلکه با زمان مناسب برای رسیدگی به آن‌ها دچار مشکل می‌شوند. آن‌ها ممکن است در مورد اینکه کدام رفتارها نیاز به اصلاح دارند و یا چه روش‌هایی برای کنترل آن‌ها باید به کار گرفته شود، اختلاف نظر داشته باشند. همان‌طور که در فصل سوم خواهیم دید، روند مؤثر برای رسیدگی به رفتارهای چالش برانگیز، از درک دلایل وقوع آن‌ها ناشی می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، ما به‌عنوان والدین و مربیان، ساعت‌های زیادی را صرف برنامه‌ریزی برای واکنش به رفتارهای نامناسب می‌کنیم، اما زمان کمی را به آماده‌سازی شرایط برای پیشگیری از رفتارهای مشکل ساز یا یافتن علت آن اختصاص می‌دهیم. نگاه کردن به رفتارهای منفی به‌عنوان نوعی ارتباط—چه پیچیده باشد یا ساده، چه مناسب باشد یا نامناسب—به ما کمک می‌کند تصمیم بگیریم چه اقداماتی انجام دهیم تا دفعات تکرار این رفتارها کاهش یابد. در فصل سوم، تمرکز ما بر دلایل احتمالی بروز رفتارهای ناپسند خواهد بود، اما در این فصل، یاد می‌گیریم که رفتارها را با رویکردی غیرقضاوتی مشاهده کنیم. ما یاد می‌گیریم به‌صورت تیمی اطلاعات جمع‌آوری کرده و آن‌ها را به‌طور سیستماتیک تحلیل کنیم، بدون اینکه احساسات معمولاً دید ما را مبهم کنند. جمع‌آوری اطلاعات از طریق مشاهده، اولین گام در تدوین یک برنامه حمایت از رفتار مثبت است (پیوست ۲.۱).



## تصمیم‌گیری درباره برخورد با رفتارهای مشکل‌ساز

این نویسنده بارها با والدینی مواجه شده است که رفتار فرزندشان در کلاس را توصیف می‌کنند. آن‌ها اضافه می‌کنند که معلم معتقد است برخی از رفتارهای فرزندشان حواس دیگر دانش‌آموزان را پرت می‌کند و معلم می‌خواهد این رفتار متوقف شود. با این حال، والدین ممکن است معتقد باشند که حتی اگر این رفتارها غیرمعمول باشند، کودک باید اجازه داشته باشد آن‌ها را ادامه دهد، مادامی که به کسی آسیبی نرساند. برای مثال، یک خانواده گزارش دادند که پسرشان، مارک، اغلب در کلاس و پشت میز خود انگشتانش را جلوی صورتش حرکت می‌داد. معلم او اصرار داشت که این رفتار توانایی مارک برای تمرکز را مختل می‌کند. با این حال، والدین معتقد بودند که این رفتار برای فرزندشان حیاتی است، زیرا به او کمک می‌کند استرس خود را کاهش دهد و آرام شود، تا دچار تجربه اضافه بار حسی بیش از حد نشود.

به‌طور کلی، والدین می‌خواهند معلمان در برخورد با برخی رفتارها انعطاف بیشتری نشان دهند، زیرا این رفتارها ممکن است برای کودک هدف خاصی داشته باشند (همان‌طور که در فصل سوم خواهیم دید). به نظر نمی‌رسد عادلانه باشد که کودکی به‌خاطر متفاوت بودن یا نشان دادن نشانه‌های ناتوانی خود تنبیه شود. معلمان از این بابت نگرانند که به یک دانش‌آموز امتیاز دهند اما دیگری از آن محروم بماند. نظم کلاس باید حفظ شود و محیطی مناسب برای یادگیری فراهم شود. چه می‌شود اگر همه شروع به حرکت دادن انگشتان خود کنند؟ اگر بخواهیم کودکی با اختلال اوتیسم تجربه مشارکت و موفقیت داشته باشد، آیا او مجبور نخواهد بود رفتار خود را به گونه‌ای تعدیل کند که مشارکت را تسهیل کند؟ همان‌طور

که از مثال قبلی دیده‌ایم، نشست مشترک والدین و معلمان برای برنامه‌ریزی و مدیریت رفتارهای کودک گاهی می‌تواند چالش برانگیز باشد. قانون آموزش (قانون آموزش افراد دارای معلولیت، ۱۹۹۹) یک اصل کلی را پیشنهاد می‌کند: رفتارهایی که نیاز به رسیدگی دارند، آن‌هایی هستند که توانایی یادگیری خود دانش‌آموز یا دیگر دانش‌آموزان را مختل می‌کنند. اگر مارک بتواند توجه خود را حفظ کند و نمره‌ای در حد "ج" یا بالاتر بگیرد و هم‌زمان هرگاه نیاز دارد انگشتانش را حرکت دهد، بر اساس بخش اول این اصل، به نظر می‌رسد که رفتار مارک نیازی به اصلاح ندارد. با این حال، اگر حرکت دادن انگشتان مارک باعث شکایت دیگر دانش‌آموزان شود یا توجه معلم را از ارائه درس پرت کند، قطعاً باید این رفتار متوقف شود. همچنین مهم است توجه داشته باشیم که رفتار مارک ممکن است در برخی روزها یا برای برخی معلمان آزاردهنده نباشد، اما در روزهای دیگر یا برای معلمان دیگر ممکن است مشکل‌ساز شود.

اگر از این نویسنده خواسته شود در جلسه‌ای درباره رفتار مارک در این موضوع خاص شرکت کند، او ابتدا می‌پرسد این رفتار چند بار رخ می‌دهد و دلایل احتمالی نیاز مارک به حرکت دادن انگشتانش را بررسی می‌کند. آیا کاری وجود دارد که بتوانیم برای مارک انجام دهیم تا تمایل او به انجام این رفتار کاهش یابد؟ اگر حرکت دادن انگشتان به مارک کمک می‌کند آرام شود، اما این رفتار برای هم‌کلاسی‌ها و معلم مزاحمت ایجاد می‌کند، شاید بتوانیم راهی پیدا کنیم که هم از نظر اجتماعی پذیرفته‌تر باشد و هم حواس دیگران را کمتر پرت کند. برای مثال: آیا می‌توان یک توپ فشاری در اختیار مارک گذاشت؟ آیا می‌توان در برنامه روزانه مدرسه فعالیت بدنی